

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم در جواب نامه حضرت آیت الله العظمی...

در مورد کتب که بسم نامند در این مورد ما را مطلع فرمائید...

و در مورد کتب که در آنها بسم درج شده است و در کتب...

مستند است که در این مورد ما را مطلع فرمائید...

در مورد کتب که در آنها بسم درج شده است و در کتب...

مستند است که در این مورد ما را مطلع فرمائید...

در مورد کتب که در آنها بسم درج شده است و در کتب...

بحثی پیرامون

آلات موسیقی  
و شطرنج

است. نکته ای که حاج آقای قدیری در سؤال خود بدان اشاره کرده اند این است که قید منافع محله لازم نیست و کافی است گفته شود بدون قصد منافع محرمه، زیرا لازم نیست انسان در موقع خریدن، منافع محله را در نظر داشته باشد و آنها را قصد کند، چیزی که محور خرید آلات مشترکه است این است که قصد استفاده نامشروع نداشته باشد. و پاسخ حضرت امام این است که هرگز انسان بدون توجه به منافع شیء آن را نمی بخرد بلکه همیشه در وقت خرید یا فروش، توجیه به منافع آن و حداقل بصورت ارتكازی و ناشود آگاه دارد. بهرحال این نکته چندان اهمیتی از نظر قسمی و علمی ندارد و بر فرض که فاصله ای میان این دو عنوان باشد، پاسخ حضرت امام این است که منظور از قصد منافع محله، همان عدم قصد منافع محرمه است و این قید وجودی به لحاظ عدم تصور فاصله ای میان این دو عنوان ذکر شده؛ بنابراین نتیجه یکی می شود و نیازی به بحث نیست که آیا چنین فاصله ای وجود دارد یا نه. ولذا حضرت امام فرمودند: «در این صورت قصد حلال مساوی است با نبودن قصد حرام».

آلت مختصه یا آلت مشترکه؟

و اما مطلبی که جناب آقای قدیری ایده الله از احادیث استفاده کرده اند که مزار (نی) بطور کلی حرام است چه آلت مختصه باشد و چه آلت مشترکه، ظاهراً نوعی تناقض است زیرا آلت مختصه، وسیله ای را می گویند که فقط مصرف حرام دارد و آلت مشترکه وسیله ای است که هم مصرف حلال دارد و هم مصرف حرام؛ بنابراین جمله فوق اینگونه معنی می شود که نی زدن حرام است چه نی فقط استعمال حرام داشته باشد و چه استعمال حلال نیز داشته باشد! و این تناقض است زیرا اگر نی بطور کلی حرام است، دیگر نمی تواند آلت مشترکه باشد و مصرف حلال داشته باشد، اصطلاحی که از روایت استفاده می شود این است که نی زدن بطور کلی حرام است چه در سرود باشد و چه در ترانه و اگر چنین استفاده ای بشود «نی» از آلات مشترکه نخواهد بود و در این صورت موضوع فتوای حضرت امام نیز نمی باشد زیرا در فتوای ایشان آمده است که خرید و فروش آلات مشترکه بقصد منافع محله اشکال ندارد و با فرض اینکه «نی» از آلات مشترکه نباشد از محدوده فتوی خارج است و اشکالی وارد نخواهد بود. و شاید منظور حضرت امام از این عبارت که فرمودند: «گمان کرده اید خرید و فروش برای منفعت حلال یعنی استفاده حرام کردن و این برخلاف آنچه نوشته شده

محافل علمی و صفحات روزنامه ها و مجلات، اخیراً صحنه مباحثات و مناظرات طویل و عریضی پیرامون دو فتوای اخیر حضرت امام دام ظلّه پیرامون آلات موسیقی و شطرنج شده است. مطلبی که در اینجا لازم به تذکر است این است که این دو فتوای نظر تازه ای که مخالف با نظر سابق حضرت امام و سایر فقها باشد، سعی ما در این مقاله توضیح این مطلب و شرحی بر نامه حضرت امام در پاسخ به جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای قدیری است. نامه های فراوانی به دفتر مجله رسیده است که مشتمل بر سؤالیهای مختلفی پیرامون این دو مسئله می باشد. بعضی اعتراض کرده اند که چرا شما در بخش پاسخ به نامه ها نوشته اید که شطرنج بدون برد و ساخت حرام است با اینکه فتوای حضرت امام، خلاف آن است. و بعضی نوشته اند که آیا اکنون دیگر پاسور (ورق) و سایر شطرنجها حرام است؟ و سؤالیهای از این قبیل. امیدواریم این مقاله پاسخی به همه سؤالیهای برداران و خواهران در این زمینه باشد.

آلات مشترکه چیست؟

اما نخستین فتوای امام در رابطه با آلات موسیقی که بسیار واضح و روشن است، آلات مشترکه یعنی وسایلی که می شود با آنها کار حرام و گناه انجام داد و می شود کارهای حلال و مجاز انجام داد. بدون شک خرید و فروش هرگونه مبادله و معامله ای بر اینگونه لوازم جایز است. اکثر لوازم زندگی چنین است که مصرف حلال و مصرف حرام دارد، چاقورا می توان در کشتن یک انسان بی گناه به کار برد و می توان با آن حیوان حلال گوشتی را ذبح کرد. و همچنین ساختن و هرگونه عملی در رابطه با تولید یا توزیع اینگونه لوازم، شرعاً جایز است. آنچه حرام و گناه است به کار بردن آنها در راه های غیر مشروع و حرام می باشد. این مطلب به هیچ وجه تازگی ندارد و یک فتوای جدید نیست. حضرت امام قید فرموده اند که خرید و فروش آلات مشترکه بقصد منافع محله اشکال ندارد. یعنی اگر کسی آلت مشترک مانند چاقورا بقصد منفعت حرام (مانند کشتن یک انسان بی گناه) بخرد یا بفروشد یا به هر وجهی در اختیار کسی قرار دهد این گناه است و جایز نیست و اما اگر بقصد یک منفعت حلال باشد بی اشکال



موضوعه، همه موارد متیقنه را نیز فرا گرفته است و چیزی باقی نمانده که آن را قدر متیقن از صدای لهوی بدانیم. گفته می‌شود در بعضی از سرودها، تنها فرقی که با ترانه‌های مشابه آن دارد، محتوای شعر است و از نظر فتوای حضرت امام و مشهور فقها، محتوی دخالتی در حرمت ندارد بلکه آنچه حرام است نوع صدا و آوازی یا نواختن آلات لهواست.

ممکن است بعضی از افراد به دلیل اینکه این مطلب چندان اهمیتیت ندارد، با اینگونه دقتها مخالفت کنند و گفته می‌شود که بعضی از مسئولین نیز چنین نظری ابراز داشته‌اند! ولی باید گفت که: هیچ گناهی را نباید کوچک شمرد. و گناه هر چه کوچک باشد اگر تحطیر شود، بزرگ خواهد بود.

در روایت است که خداوند خشم خویش را در گناهان، پنهان داشته همچنان که رضایتش در اطاعات، پنهان و ولتیش در میان بندگان، پنهان است پس مبادا گناهی از گناهان را کوچک بشمارید که شاید همان منشأ خشم خداوند باشد. گذشته از اینکه اثر وضعی اینگونه اعمال و فساداتی که ممکن است در جامعه بوجود آورد، با اصل براهت دفع نمی‌شود. منظور این نیست که باید در همه موارد مشکوک، احتیاط کرد ولی آنگاه به اصل براهت تمسک نشود که چیزی برای موارد متیقن باقی نماند.

### بازی با آلات قمار حرام است

و اما مسئله شطرنج که بعضی به اشتباه پنداشته‌اند که فتوی تغییر یافته و بازی با هرگونه وسایلی قمار بدون برد و باخت جایز است، چنین نیست. فتوای حضرت امام این است که بازی اگر با برد و باخت باشد به هر نوع که باشد حرام است بجز حسیق و رمایه (که توضیح مختصر آن خواهد آمد ان‌شاء الله) و روی این اساس حتی اگر فوتبال بازی کنند و برد و باخت و شرط بندی در میان باشد حرام است و آنچه شرط شده نیز حق ندارد بگیرد و اگر گرفت مالک نمی‌شود. منظور از برد و باخت تعیین مالی برای برنده است نه تنها اعلام شخصی به عنوان برنده بازی و مثلاً تشویق او که در بعضی نامه‌ها اینگونه اشتباهات دیده می‌شود، و اما اگر بازی بدون برد و باخت باشد اگر با آلات قمار باشد حرام است و اگر با آلات قمار نباشد حرام نیست.

### شطرنج بعنوان قمار، حرام است

شطرنج از قدیمی‌ترین آلات قمار است و در روایات بسیار از آن نهی شده است ولی ظاهر ایده این است که شطرنج بعنوان قمار حرام است نه اینکه خود یک خصوصیتی داشته باشد که حتی اگر قمار نباشد باز هم حکم به حرمت شود. و لذا حضرت امام در فرضی که سؤال شده بود، فرمودند: بدون برد و باخت اشکال ندارد و در پاسخ جناب آقای قدیری ایده الله فرمودند که اگر آن فرض احراز نشود بازی نکنند. بنابراین، هر مکلفی باید خود تشخیص دهد که آیا شطرنج هنوز در جامعه بعنوان یک آلت قمار شناخته می‌شود یا نه، اگر آلت قمار باشد، بازی با آن حتی بدون برد و باخت مجاز نیست و اگر آلت قمار بودن، یکتی خارج شده باشد، بازی بدون برد و باخت جایز است. و اقا سایر وسایلی قمار مانند پاسور که مورد سؤال واقع می‌شود، مادامی که آلت قمار شناخته می‌شود بازی با آن حرام است حتی اگر برد و باختی در کار نباشد.

### احتیاط در تعبیر

جالب است که حضرت امام در فرضی که احراز تبدل عنوان شطرنج ثابت نشده فرموده‌اند حرام است بلکه فرموده‌اند: «در صورت عدم احراز باید بازی نکنند» و این نوعی احتیاط در تعبیر است، شاید عدم تعبیر به حرمت به لحاظ همان خدشه در ادله است و ممکن است کسی در اصلی آلت قمار بودن آن اشکال کند و آن را از ابتدا یک

است، می‌باشد» همین مطلب باشد یعنی اشکال شما در مورد «انی زدن» وارد نیست زیرا با فرض اینکه فقط استفاده حرام دارد، از موضوع آنچه نوشته شده خارج می‌باشد و فقط در صورتی اشکال وارد می‌شود که منظور از منفعت حلال استفاده حرام هم باشد و این تناقض است. و لذا ایشان این مطلب را اشتباه بزرگ نامیده‌اند. البته عبارت روشن نیست که بطور حتم چنین تفسیر شود ولی ظاهراً همین معنی مراد است.

و اما در روایتی که به اطلاق آنها تمسک شده و معتبر شناخته شده است، در سند آنها، «نوفلی» است که توفیقی در رجال نشده و تنها راه توفیق او این است که در «کامل الزیارات» و «تفسیر علی بن ابراهیم» از او روایت نقل شده است و اعتماد بر اینگونه توفیقی، مسأله‌ای است که میان علما محل بحث است و تفصیل، مناسب این مقاله نیست. و بهر حال این روایت از نظر سند معتبر نیست. (البته ما اطلاعی از نظر حضرت امام در خصوص نوفلی نداریم).

### حرمت استفاده لهوی از آلات مشترکه

نکته‌ای که در اینجا قابل توجه است، این است که اگر بر ظاهر اینگونه احادیث تکیه شود و مزمار و اغتال آن، موضوعیت داشته باشد، حکم اختصاص پیدا می‌کند به همان آلات لهوی آن زمان که شاید اکثر آنها در زمان ما اصلاً مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و بنابراین، حکم، شامل آلات لهوی که در این زمان ساخته شده نمی‌باشد مگر اینکه استدلال شود به بعضی از روایات که بطور مطلق لهو را حرام دانسته و حال آنکه در کتب فقهی به همین روایات استدلال شده بر حرمت مطلق آلات لهو و این نیست مگر به دلیل اینکه مزمار و غیره را به عنوان مثال نقلی کرده‌اند و در متفاهم عرفی، منظور از ذکر این گونه آلات، مطلق آلات لهو است. و این بیان همچنانکه حکم حرمت را تعمیم می‌دهد و تمام آلات لهو را شامل می‌شود، از جهت دیگر حکم را مقید به عنوان لهو می‌نماید. شاهد بر این مطلب این است که در این احادیث، یکی از آلات لهو که مورد نهی واقع شده «کویات و کبرات» شمرده شده است. و «کبر» در لغت بمعنای طبل است. کویه نیز در بعضی روایات به طبل ترجمه شده گرچه در لغت معنای مختلفی دارد و طبل بدون شک از آلات مشترکه است که در جنگ و عروجه‌داری نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین، حتماً باید در این روایات، منظور خصوص استفاده لهوی و حرام باشد.

### گناهان را کوچک شمارید

بحث در این جهت که حرمت استعمال این آلات، اختصاص به استعمال لهوی دارد و همچنین حرمت آوازی که مطرب است نیز اختصاص به نوع لهوی آن که مناسب مجالس لهو و عیاشی است، دارد. بحث مفصلی است که در کتب فقهی مطرح است و این نظر مبارک حضرت امام است ولی آنچه از نظر عملی باید مورد توجه قرار گیرد، تشخیص موضوع است گرچه تشخیص موضوع، وظیفه فقیه نیست ولی با وضعیت فعلی که نشر اینگونه آوازا و آهنگها از رادیو و تلویزیون، صورت می‌گیرد و نوارهای مجاز از سوی وزارت ارشاد مورد تایید قرار می‌گیرد، باید مسئولین این مراکز توجه و اهمیت بیشتری در تشخیص این امر، مبذول دارند و کمیته مورد اعتماد و اهل خبره هم از نظر فنی و هم از نظر فقهی تشکیل دهند تا مواردی که شرعاً مجاز است از موارد محرّم جدا کنند و مانع شیوع فساد و گناه شوند.

البته درست است که موارد مشکوک، شرعاً بحسب ظاهر محکوم به اباحه است و اشکال ندارد زیرا شبهه موضوعیه است ولی باید توجه داشت که تدریجاً این شبهه



## رهان در سبق و رمایه

۲- فرموده اند: «و رهان در سبق و رمایه مختص است به تیر و کمان و اسب دوانی و امثال آن که در جنگهای سابق به کار گرفته می شده است و امروز هم تنها در همان موارد است!»

رهان یعنی شرط بندی. طبق روایات عامه و خاصه (رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هرگونه مسابقه با بردو باخت و شرط بندی را ممنوع اعلام فرمود بجز در دو مورد: ۱- اسب دوانی و مانند آن از حیواناتی که در آن زمان در جنگها مورد استفاده واقع می شده مانند شتر و قاطر و قیل. ۲- تیراندازی و شمشیرزنی و امثال آن از اسلحه ای که آن روز به کار می رفته است.

در چنین مسائلی اگر فقیه بر این موارد جمود داشته باشد، باید در این زمان که اصول جنگی و اسلحه آن یکی تغییر یافته و اسب دوانی فقط برای تفریح و ورزش به کار می رود و همچنین تیراندازی با تیر و کمان یا شمشیرزنی، نوعی تفریح و ورزش است، باز هم گفته شود که سبق و رمایه اختصاص به همین موارد دارد! ولی فقیه محقق می داند که هدف رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از این حکم، جلوگیری از صرف نیروها و امکانات در بازیهای بی نتیجه و لغو و تشویق بر یادگیری و کسب تجربه در فنون جنگی معاصر است. بنابراین، فقیه باید فتوی دهد که همان حکم، امروز در نشانه گیری با انواع اسلحه جدید و مسابقه در تانک و زره پوش و هواپیما ثابت است بلکه اگر دقت شود باید مسابقه بردو باخت در اسب دوانی و تیراندازی با تیر و کمان و شمشیرزنی که اکنون فقط وسیله تفریح است ممنوع باشد.

بنابراین، موضوع با دقت و تعمق عوض می شود و موضوع سبق و رمایه، وسایل جنگی معاصر خواهد بود که بحسب زمان و شرایط، متغیر است و موضوع حرمت بردو باخت همه بازیهای تفریحی می شود که در این زمان بر اسب دوانی و امثال آن از شون جنگی قدیم ممکن است منطبق باشد.

## انفال

۳- فرموده اند: «و انفال که برای شیعیان تحلیل شده است، امروز هم شیعیان می توانند بدون هیچ مانعی با ماشین های کدانی، جنگل ها را از زمین بزنند و آنچه را که باعث حفظ و نجات محیط زیست است را نابود کنند و جان میلیونها انسان را به خطر بیندازند و هیچ کس هم حق نداشته باشد مانع آنها باشد.»

انفال جمع نفل است بمعنای غنیمت یا بمعنای زیادت. و مقصود از آن در فقه، بخشی از غنائم است که مخصوص رهبر مسلمین است. در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اختصاص به آن حضرت داشت و پس از او نیز اختصاص به امام مسلمین دارد. و آن چند چیز است: زمینهای مواتی که در جنگ به تسخیر مسلمین درمی آید. و آنچه بدون جنگ تحت سلطه مسلمانان قرار می گیرد و جنگها و نزارها و کوهسارها و دره ها و کناره دریاها و رودها و آنچه پادشاهان برای خود اختصاص داده بوده اند و غنائم جنگی که بدون اذن امام از سوی مسلمانان بر پا شده و معادنی که ملک کسی نیست و چیزهای دیگر.

طبق روایاتی که از سوی ائمه اهل بیت علیهم السلام رسیده است، آن بزرگواران به دلیل اینکه حکومت ظاهری بدست آنها نبود تا هر چیزی را در موضع طبیعی خود قرار دهند و برای تسهیل بر شیعیان که به پیروی از مذهب حق، تصرف دیگران را در انفال غاصبانه می دانستند و بالطبع از نظر تصرفات و معاملات در مضیقه و تنگنا واقع می شدند، همه انفال یا بخشی از آن را که مورد ابتلای عموم مردم است، برای شیعه حلال فرمودند و از حق خود گذشتند تا تصرفهای آنها غاصبانه نباشد. بنابراین، طبق

فقیه در صفحه ۵۰

وسيلة آزمایش هوش و تمرین ریاضی بدانند. البته روایات در این باره بقدری زیاد است که حتی اگر در سند همه آنها خدشه شود، از مجموع آنها اطمینان به صدور چنین مضمونی از مصلوم بدست من آید ولی انصاف این است که از روایات پیش از این استفاده نمی شود که شطرنج بعنوان یک قمار حرام است و اگر اطلاقی در میان باشد، سنداً مورد اشکال است. گذشته از این، اطلاقات معمولاً در پاسخ سؤال از شطرنج آمده است و در اینگونه موارد نمی توان به اطلاقی جواب تمسک کرد زیرا سؤال بدون شک حمل می شود بر مورد ابتلای آن زمان که آلت قمار بوده است و جواب نیز به قریباً سؤال اختصاص پیدا می کند به همان مورد.

روایت «سکولی» گذشته از اشکال سندی، به اطلاقی آن نیز نمی توان تمسک کرد زیرا همین احتمال که نهی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ سؤال وارد شده باشد، موجود است و این احتمال مانع اخذ به اطلاقی می شود. نقل امام صادق علیه السلام اجمال دارد و نفرومده است که آیا حضرت ابتداءً و بعنوان القاء یک حکم کلی، شطرنج و نرد را مورد نهی قرار دادند تا به اطلاقی آن تمسک شود یا اینکه در پاسخ سؤالی از آن نهی فرمودند تا امکان تمسک به اطلاقی نباشد.

## برداشت فقهی که مستلزم نفی تمدن است

حضرت امام در ابتدای پاسخ به آقای قنبری، مواردی را ذکر فرموده اند که لازمه نوعی برداشت خاص از اخبار و احکام الهی است و التزام به آن موارد، به فرموده ایشان، مستلزم نفی تمدن و پیشرفت انسان است. در اینجا باید ضمن توضیح و بررسی آن موارد، آن نوع برداشت فقهی که مستلزم چنین امری است، مشخص گردد.

## مصارف زکات

۱- فرموده اند: «بنابر نوشته جناب عالی، زکات تنها برای مصارف فقرا و سایر امور است که ذکرش رفته است و اکنون که مصارف به صدقا مقابل آن رسیده است، راهی نیست...»

زکات طبق آیه قرآن، هشت مورد مصرف دارد: ۱- فقرا و نیازمندان ۲- مساکین و تهیدستان که فرقیشان با فقرا ظاهراً بدتر بودن حال آنها است. ۳- کارگران و جمع آورندگان زکات. ۴- کافران و تازه مسلمانانی که باید با کمک مالی، واکه آنها را بدست آورد. ۵- آزاد کردن بردگان. ۶- بدهکاران. ۷- در راه خدا. ۸- مابین السبیل و درمناهی ای که در غربت نیازمند است.

البته می توان گفت که دولت اکنون نیازی به زکات برای مصارف لازم الملک و از مالیات استفاده می کند و همچنین می توان گفت بر فرض که از زکات بخواهد استفاده کند، عنوان هفتم که در راه خدا است همه مصارف عمومی جامعه اسلامی را شامل می شود. بنابراین، از نظر فقهی هیچ مشکلی نیست. ولی منظور حضرت امام ظاهراً این است که اگر فقیه جمود داشته باشد، اولاً مالیات را به دلیل عدم ورود در شرع، منع می کند! و ثانیاً زکات را از نظر درآمد منحصر به موارد نه گانه می کند و از نظر مصرف هم به موارد هشتگانه و ثالثاً در تفسیر این موارد هم به آن چه سیره مستمره آن را اقتضا کند اکتفا خواهد کرد! و این همه موارد مصرفی که طبق تمدن جدید، مورد نیاز جامعه به حساب می آید، نوعی اسراف یا بدعت می داند و راهی برای صرف زکات (حداقل) در آنها نمی بیند!

البته منظور این نیست که کسانی به چنین جمود فقهی معتقدند بلکه منظور این است که اگر فقیه بر ذکر اینگونه موارد جمود داشته باشد، لازمه آن، چنین اعتقادی است که حتماً قائل نخواهد بود و فقیه محقق، ذکر این موارد را بعنوان مثال برای شون جامعه اسلامی که در آن زمان مورد نیاز برای مصرف زکات بوده، می داند.



## آلات موسیقی و شطرنج

حفظ جان هزاران نفر مورد احتیاج است نباید تحریک گردد!

این مطلب را حضرت امام در نامه خود به رئیس جمهور پیرامون ولایت مطلقه فقه نیز تذکر دادند. بنابراین، مبنای این مطلب، توسعه در حکم ولایت امر است و گرنه بحسب ادله و اصل حمایت از ملک شخصی که از اصول مسلمة فقه اسلامی است، کسی حق ندارد منزل کسی دیگر را بدون رضایت او تصاحب کند یا ویران نماید یا در راه قرار دهد. و در مورد مسجد نیز چنین است که پس از وقف، هیچ کس حق تصرف و تبدیل عنوان آن را ندارد و منع از راه قرار دادن مساجد صریحاً در کتب فقهی ذکر شده و اشکالی در آن نیست ولی مصالح عمومی جامعه اسلامی اگر اقتضا کرد یا حداقل در صورتی که ضرورت جامعه اسلامی مبتنی بر این بود که مسجدی را تحریک کنند و در خیابان قرار دهند یا منزل شخصی را که صاحبش رضایت نمی دهد، از دست او بگیرند. هر چند قیمتش را می پردازند. بدون شک مقتضای ولایت مطلقه حاکم اسلامی همین است که او چنین حقی را داشته باشد. توضیح بیشتر در این رابطه، در مقاله «سخنی پیرامون ولایت فقیه» خواهد آمد ان شاء الله.

### نقد گر بسیار مهم

نکته بسیار مهمی که باید در اینجا تذکر دهیم این است که مطالبی که حضرت امام در این نامه بیان فرموده اند، برخلاف آنچه تصور شده است، هرگز دعوت به یک فقه جدید و مبنای فقهی جدیدی نیست و این سخن حضرت امام، هرگز منافاتی با آنچه سابقاً می فرمودند که فقه جواهری و سنتی را باید ترویج کرد و دنبال نمود، بلکه همیشه در میان فقها دو نوع برخورد با احکام و مدارک بوده است: یک نوع مبتنی بر جمود و ساده اندیشی که اخباریون و بعضی از اصولیین به آن معتقد بودند و عمل می نمودند و نوعی دیگر، مبتنی بر تعمق و تحقیق و تزیینی.

فقهای بزرگ شیعه که همیشه روند علم فقهات را تحرک می بخشیده اند، از نوع دوم اند و اخباریها و امثال آنها از کسانی که جرأت هیچگونه تحول و تغییر و حتی مخالفت فتوای مشهور بلکه مخالفت فتوای فقهای بزرگی چون شیخ طوسی «ره» را نداشتند، از نوع اول می باشند. برای جمود، مثال خنده آوری مشهور است، که می گویند: «بعضی از اخباریها بز کفن مردگان خود می نویسند: «اسماعیل یشهد ان لا اله الا الله...»! به دلیل اینکه در روایت آمده است که امام صادق علیه السلام بر کفن فرزندی چنین عبارتی را نوشت، غافل از اینکه فرزند آن حضرت که در حیاتش وفات کرد، نامش اسماعیل بود!

بهر حال، جمود و تحرک، دوروش برخورد با احکام و مدارک، همیشه بوده و هست و تحرک در هر زمانی اقتضائی دارد نه اینکه مبنای فقهی این مسائل تغییر یافته باشد. مثلاً مشهور میان فقها این است که آب چاه با برخورد نجاست، نجس می شود بلکه ادعای اجماع بر آن شده است. و مشهور میان متأخرین، خلاف آن است؛ این تحول عظیم در فتوی، یک تحرک فقهی است و گرنه مبنای فقهی تغییر نیافته است.

در همین مسائلی که در نامه حضرت امام آمده است، اگر دقت شود بر اساس همان مبنای فقهی حل می شود همچنانکه ضمناً به آن اشاره شد و نیازی به مبنای جدید نیست ولی تنها نیاز به یک تحرک فقهی و عدم جمود بر ظواهر امر دارد. اصطلاح فقه پویا که اخیراً به کار می رود، یک اصطلاح فریبنده است و فقه پویا همان فقه سنتی است که هرگز از پویایی باز نمی ایستد و در هر شرایطی با تحرکی که دارد مشکلات را حل می کند و این همان فقه جواهری است که حضرت امام آن را ترویج نموده و پایه هایش را محکم کرده و ولایت فقیه را بر اساس آن پی ریزی کرده است.

والحمد لله رب العالمین

این حکم فقهی مسلم، هر فرد از شیعه می تواند نیاز خود را از اینگونه موارد برطرف سازد ولی این حکم در آن زمان از نظر عملی به مشکلی بر نمی خورد اما اگر امروز همین اجازه به شیعیان تعمیم داده شود، با وسایلی که اکنون در دست است، می تواند یک یا چند فرد در مدت کوتاهی، هفت جنگل ها را نابود سازد و از آنها به نفع خود استفاده کند! آیا ممکن است آن اجازه چنین حالتی را نیز شامل باشد؟! کسانی که فقط حدیث را از نظر رجال و متن، بررسی می کنند و اطلاق و تقييد و عام و خاصش را مورد توجه قرار می دهند و مانند یک فرمول ریاضی با آن برخورد می نمایند، حتماً به چنین نتیجه ای می رسند ولی آیا این مطلبی است که بتوان به آن فتوی داد؟ یا فتوای است که بتوان به آن عمل کرد؟!!

### احیای موات و حیات مباحات

و نظیر این مسئله با ابتلائی گسترده تر و مشکلی بزرگتر، مسئله احیای موات و حیات مباحات و کشف و استخراج معادن است. طبق حکم اولی اسلام، اینگونه امور برای همه کس مجاز است یعنی هر کس زمین مواتی را احیا کرد، مالک است یا حداقل به او اختصاص دارد و کسی حق تعرض به او را ندارد و هر کس صاحبی را حیات کرد، چه درختان جنگل باشد و چه ماهیهای دریا و چه مرغان هوا و چه آهن و سایر حیوانات وحشی صحرا، مالک می شود و هیچ محدودیتی در این زمینه از روایات استفاده نمی شود. و همچنین استخراج معادن؛ پس اگر کسی معدنی را کشف نمود و مشغول استخراج شد، خواه نفت باشد، خواه طلا و خواه اورانیوم، خودش مالک است و هیچ کس حق تعرض به او را ندارد! این حکم در آن زمان که امکانات کشف و استخراج و حیات و احیاء موات محدود بود، با مشکلی برخورد نمی کرد و لذا نیازی به تقييد از سوی معصومین علیهم السلام نبود، اما امروز که با وسایل پیشرفته، ممکن است یک انسان یا یک شرکت، بخش بسیار عظیمی از زیرزمینهای موات قابل کشف است یک منطقی را در مدت کوتاهی احیا کند و فرصت به افراد معقولی که می خواهند با وسایل ابتدائی و امکانات محدود، بخشی را به خود اختصاص دهند نمی دهد و همچنین یک یا چند انسان می توانند معادن عظیم یک کشور را در مدت کوتاهی با وسایل پیشرفته، کشف و استخراج کنند یا با کشتیهای عظیم صیادی در مدت کوتاهی، مناطق وسیعی از دریا را که ماهی فراوان دارد بگردند و ماهیها را صید کنند و حتی نسل یک ماهی را قطع نمایند، آیا ممکن است در چنین شرایطی، دولت اسلامی اجازه چنین آزادی را به قدرتمندان بدهد؟! حتی در کشورهای کاپیتالیستی که سرمایه داران، همه نوع آزادی در جمع ذخائر و اموال را دارند، در اینگونه موارد، محدودیتهایی برای آنها در نظر گرفته شده است.

اگر کسی بخواهد به اطلاقات تمسک کند، حتماً به چنین نتیجه وحشتناکی خواهد رسید که تمدن بشریت را بریاد خواهد داد و ذخائر کشور اسلامی را نابود خواهد ساخت. اینگونه اطلاقات با توجه به اینکه عدم تقييد در بیان معصوم به دلیل عدم نیاز در آن زمان بوده است، نمی تواند حجت باشد.

### نیازهای روز

۱- فرموده اند: «عنازل و مساجدی که در خیابان کشی ها برای حل معضل ترافیک و